



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اشبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۲۷

میر: سید محمد باقعی

سال چهارم - شماره ۱۰۸۶

صفحه ۳۶۶۱

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۳۶

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- صورت مشروح مذاکرات صد و شانزدهمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۹
- ۲- آگهی های رسمی ۱۱

مؤثر است

آقای دکتر اعتبار مخالف بوده گفتند دولت تحت استیضاح است و تکلیفش معلوم نیست پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب و تبصره قرائت شد آقای دکتر معظمی تذکر دادند که بصورت ماده واحده تصویب و بدولت ابلاغ شود پس از اخذ رای باورفته از ۸۸ نفر عده حاضر ۷۳ نفر موافق بودند و تصویب گردید .

آقایان بمکرم ، کیو ، گلپادی ، امینی ، دکتر مجتهدی برای نظارت استخراج آراء کمیسیونها تعیین شدند و بانتهاب اعضاء کمیسیونهای دارائی - دادگستری - فرهنگ پیشه و هنر - کشاورزی - امور خارجه - راه - بهداری - نظام و ست و تلگراف اخذ رأی بعمل آمد و آقای آزاد در دنباله استیضاح وارد مطلب شده گفتند بعضی کارمندان دولت با اسناد خاصه خودشان در مقام نمایندگی نمی توانند نسبت به وزراء و کسانی که باید تمهیب شوند اتخاذ تصمیم و استنادی کنند همچنین است وضع بعضی که بهمین وسایل متوجه انتخابات دوره آینده هستند و چون هنگام انتخابات هم ممکن است صندوق آراء منتخبین اهالی عوض شود تاگزیر این قبیل نمایندگان باید برآ کز قدرت دولتی نزدیک شوند و کسب قدرت ملی فقط و کول بوجود احزاب است که در کشور ما وجود ندارد و در نتیجه برای حفظ مصالح مملکت تمهیدات لازم قانونی اتخاذ نمی شود در حالی که تنها مجلس می تواند مدت و مملکت را بطریق نجات و فلاح سوق دهد ولی بر اثر

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۱۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه یازدهم آبان ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- تصویب يك فوریت طرح پیشنهادی عدهای از نمایندگان راجع بآبیاری
- ۳- بقیه استیضاح آقای آزاد
- ۴- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

صورت مجلس قبل از آقای صدرزاده (منشی) بشرح زیر قرائت نمودند

دیر آمدگان یا اجازه آقایان: مهندس رضوی
جناب ابراهیمی بمکرم - معین زاده
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : مهدی ارباب
دکتر اعتبار - آقاخان - منصف - ترقی - تابتی - شهاب
خروانی - قهرمان - اسدی - حاجدیوانی .
آقای دهقان در قبالی بیانات آقای عباس اسکندری
نامه صادره از وزارت کار را بمقام ریاست تقدیم داشتند
صورت مجلس تصویب و نامه مذکور قرائت
گردید
آقای فرامرزی پیشنهاد کردند که تبصره دوم
یکسوزدهم مطرح شود و ضمن توضیحات گفتند تبصره
پیشنهاد شده مربوط باضافات و ترفیحات مستخدمین
دولت می باشد و تصویب آن در زندگی ایشان

یک ساعت و بیست دقیقه بطهر روز يكشنبه
نوم آبان مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل
و صورت جلسه پیش قرائت گردید
اساسی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس
خوانده شده است :
غائبین یا اجازه - آقایان : بیات - غضنفری -
اورنگ - ذوالفقاری - کدیچ - برزین - سعید - بهزادی -
عدل اسفندیاری .
غائبین بی اجازه - آقایان : محمد حسین قشقایی
حائقی - شادنو - دادور - قبادیان - لاهوتی - تولیت - کامل
ما کونی - اخوان - ابوالقاسم بهجانی - امیر تیمور - نبوی
دکتر عبده - رضوی - آصف - ملکپور - حسین و کابل
ناصری - بهار - یحیی اسفندیاری - دکتر ملکلی - فاضلی
صفا امامی .

● این مذاکرات مشروح یکصد و شانزدهمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

که شروع کنند بمسائل فرستادن اول و بعد از صوابت فرستادن هم حمله کنند ولی خوشبختانه هر قدر که آنها فحش دادند و حمله کردند آنها سکوت کردند و بمسئله حادثه ای اتفاق نیفتاد این پولها و این مخارج پیشکش از بنگاه راه آهن تأمین شده است برای اینکه شهرتانی چیزی ندارد که بدهد و وزارت جنگ هم که آقای سهروردی فرمودند اگر اصحاب هم خراب بشود برای تدارک که تعمیرش بکنیم پس این مخارج سیاسی الان افتاده است روی بنگاه راه آهن و روی این تشکیلات است که تقریباً هشت میلیون تومان مخارج پارس سال راه آهن است چون من دیدم اینجانبه ای از آقایان استعجاب میکردند که چطور میشود بنگاه راه آهن هشت میلیون تومان مخارج متفرقه بکنند بقیه قسمت از این مخارج را ریزش را گرفته ام و آوردم که دیگر صحبت هم در اطراف آنها بگذردی تمام شود و خط مبحث نکنند که این هشت میلیون تومان شاید مبالغه و اغراق است فصل بودجه بنگاه راه آهن - هزینه های تشریفاتی معمرانه تشریف فرمایانها حق معالجه ها باداشها و خسارت و خرج سفره و غیره این يك فصلی است در بنگاه راه آهن بعنوان فصل پنجم که این مخارج معمرانه و غیره در آنجا است والان هم اینها را مثل اینکه بنده این چراغ را می بینم روشن است تمام قضی دارم که در بنگاه راه آهن هست این صورت (مکی - کمیسیون تحقیق تعیین شود و برود رسیدگی کند) بودجه معمرانه آگاهی بپس که بدست شخص اربابی اجرا میگردد در حدود ۱۸ میلیون و چهار صد هزار ریال (یکی از نمایندگان - چقدر آقا) یک میلیون هشتصد و چهل هزار ریال صرف هزینه کمیسیونهای نواحی چهار صد و هشتاد هزار ریال مهمانی قسمت مکانیک بعنوان افتتاح کافه رستوران یکصد و پنجاه هزار ریال تمام اینها متعلق به پارسال است .

رحیمیان - اینها غیر از آن ۸ میلیون است ؟

آزاد - تغییر جزو آنهاست خواستم که يك قسمت ریزش را بخواهم که بعضی از آقایان هو و جنجال راه نیندازند - یکمدهای گفتند که اینها را درست کرده اند بنده خواستم این مواردش را اینجا بخواهم تا رفع شبهه بشود - مهمانی دعوت خصوصی از نمایندگان بعضی جرایم صد و هشتاد هزار ریال ۴ فقره هم تشریف فرمائی است که بنده اینها را بطور کل میگویم و یکی یکی دیگر نمی خوانم در حدود پانصد هزار ریال مسافرت جناب آقای حکیمی با وزیر راه صد هزار ریال (یکی از نمایندگان بکجا) رفتند با هوا (دیگری از نمایندگان خیر آقا شاهی) بنده شاهی رفته بودند (اسلامی - آقای حکیمی آقایان را شربت نوی راه خواندند و نفر فقط بودند) (نورالدین امامی - آقای حکیمی با هوا رفتند) فقط يك شرف رفتند باز نردان و برگشتند و خرجشان را هم خودشان دادند (امامی اهری - آقا فقط يك شب رفتند ما نردان) عرض میکنم این مخارج را نوشته اند آقا بنده میگویم با هم او هر دفتر نوشته اند و صحبت منم در این نیست که میخواهم بگویم خدای نکرده آقای حکیمی صد هزار ریال استفاده کرده

میگویم باسم او نوشته اند - جشن بیستین سال راه آهن سیصد هزار ریال (یکی از نمایندگان - جشن چی ۲۰۰) جشن بیستین سال راه آهن سیصد هزار ریال حق المعالجه بعنوان بیماری سیصد هزار ریال (دکتر طبیب حق المعالجه کی آقا) همان اشخاصی که مستند میروند پارویا و سایر جاها - عرض کنم آقا که ضمیمه ترام آهن يك طور بخصوصی است آقا يك تکلف هائی درست کرده اند يك ورقه هائی است که یکمده اشخاصی با اینکه مسافرت می کنند یکماه چهل روز آخر ماه که میشود آن ورقه را میدهند امضا میکنند بعنوان اضافه کار در صورتی که در بنگاه راه آهن نبوده و ماموریتی پیدا کرده است بعد وقتی که بر میگردد باز بعنوان اضافه کار يك یولی باو میدهند (دکتر طبیب برای حق المعالجه نمی دهند) يك عنترائی رویش میکنند - پادش درسال ۱۳۲۶ اوداده میلیون ریال (کشاورز صدر - پادش چی) همین جرایمی که عرض کردم باسم پادش هزینه های جناسات هیئت مدیره چهارصد هزار ریال هزینه معمرانه طرفداران آقای عزت الله هدایت در موقعی که آقای قوام السلطنه میخواست او را عوض کند بیست هزار ریال (یکی از نمایندگان - چی آقا) آقای قوام السلطنه خواست عزت الله هدایت را تغییر بدهد و یکی دیگر را رئیس بنگاه بکند یکمده رفتند در بنگاه راه آهن و متعین شدند و پنجم بیست هزار ریال بعنوان تعین خرجشان شد (خنده عدهای از نمایندگان) (اسلامی - آقایان را که دارد چرا میخندید) عرض کنم که مخارجی دیگر مثلا ورزشگاهائی که آمده اند از ترکیه بایران آنجا مهمانی کرده اند چهارصد هزار ریال خرج کرده اند هر اتفاقی که می افتد تمام مخارجش از بنگاه راه آهن است - عرض کردم وزارتخانه ها يك اعتبار معینی دارند که زیادتر از اعتبار خودشان خرج نکنند بنگاه راه آهن که ۹۲ میلیون تومان هزینه دارد بهیچوجه من الوجوه در تحت کنترل نیست و تمام مخارج روی آن بنگاه است و هر کسی هر کاری دارد به آنجا تعین میشود بنده خواستم عرض کنم که در چند روز قبل يك عدهای از آقایان نمایندگان را دعوت کردند به گرگان برای تماشا ای اسب دوانی یکمیلیون و پانصد هزار ریال خرجش را نوشته اند حالا اگر ده تا از این مهمانها بود میدیدید چقدر تمام میشد (رحیمیان خرج مهمانی اسب دوانی چقدر است ؟) یکمیلیون و پانصد هزار ریال (خسرو هدایت - همه را هم میگویم همش را جمع میکنند جواب یکی یکی داده خواهد شد) این کاغذ را بنده داده اند می خوانم آقای وزیر آشکارا در خرابکاری ادارات دولتی مشغول فعالیت هستند داماد خود را بنام دولتشاهی بریاست راه آهن ناحیه شمال منصوب کرده و بنظر ایشان ۷۵۰ هزار تومان اعتبار ماهیانه راه آهن شمال برای تعمیر خط از قیروز کوه تا بندر شاه حریف و میل میشود و باز هم همان روزه حریف و میل اعضاء شرکت ری در خرید سیصد و چهل هزار عدد تراورس برای تعمیر تراورسهای کهنه راه آهن تکرار میشود - بنگاه راه آهن ضاهراً برای خرید ۲۴۰ هزار تراورس با ۹ نفر مقاطعه کار با سامی زیرین، هزاری ۵۰ هزار تراورس - بانو فرجام

سی هزار تراورس ملو به میشود بانو قدر فرجام هم مقاطعه کار است و تراورس حمل میکنند - حسین قناد چهل و پنج هزار تراورس - ابوالقاسم قناد ۱۰ هزار تراورس - فیدایار بیکوری بیست هزار تراورس - جعفر فروزی سی هزار تراورس - محمد محمد قناد هزار تراورس - کاستون لالائی پنجاه هزار تراورس - احمد هنی امده سی هزار تراورس از قرار هر عدد تراورس ۱۰۰ ریال بدون انجام شرایط نامه قانونی قرارداد میکنند یعنی برای سیصد و چهل هزار تراورس بالغ بر ۲۵ میلیون ریال مصرف میشود ولی در همین اسامی از یکی از مقاطعه کاران باسم آقای فروزی شصت هزار تراورس هر دانه ای شصت ریال بنگاه راه آهن خرید در صورتیکه در این معامله ۳۴۰ هزار تراورس هر عددی ۱۰ ریال خریداری شده از ۳۴۰ هزار تراورس با تفاوت قیمت هر عدد ۴ ریال کلاً بالغ بر ۱۳ میلیون ریال فقط در يك معامله تراورس حیف و میل میشود آقایان عزت الله هدایت مدیر کلی و محمد امین ایرجی بازرس بنگاه راه آهن و اعضاء شرکت ری در این این معامله تراورس باطناً شرکت دارند و با محمد حسین قناد یکی از مقاطعه کاران شریک هستند - حاله از ابتداء شروع تحویل تراورسها در شمال آقای ایرجی از طرف آقای مدیر کل بنگاه ظاهر است بازرسی تراورسها باز نردان مأموریت یافته اند در ضمن مقاطعه کاری هم میکنند و بنگاه هر میزان چوبی که خریداری میکنند از محمد حسین قناد میگرد برای اینکه با مدیر کل بنگاه شریک است اکثر این مقاطعه کاران که اسم خانمی نردان هست چون عامل این کار نبودند عمل مقاطعه خود را بیدگران فروختند مثلا آقای محمد مجد داماد ونوق و وضو شرکتی حق مقاطعه تراورس را بشخصی باسم نشان سر کبیان ضیق استاد تبتی مبلغ دو میلیون و پانصد هزار ریال فروخت و چکهای وصولی وجوه سیصد و چهل هزار تراورس که از طرف آقای دولتشاهی رئیس ناحیه راه آهن شمال و داماد آقای وزیر صادر شده تماماً باسم اشخاصی غیر از مقاطعه کارانی است که اسم برده ام و این طریق میلیارد ها ریال اعتبار بنگاه راه آهن حیف و میل میشود (دهقان - خوب مقصود این است که تراورس نخرند) - بنده پریروز که این صحبت ها را کردم یکمده از آقایان فرمودند که ما منتظریم ببینیم که آقای وزیر در جواب این مطالبی که شما اظهار کردید چه میگوید من خیلی تأسف خوردم برای اینکه بکنند وکیل که از این ناحیه ای انتخاب میشود مطابق قانون اساسی وکیل تمام ملت است و قتی که من دو اینجا آقای وزیر را مورد اتهام قرار میدهم که مخالف با قانون اساسی کرده است و آزادی مردم را سلب کرده و همچنین کارهای دیگری کرده است جنبه قضائی پیدا میکند نه جنبه سیاسی زیرا بکنند آدم که از طرف ملت ایران نمایندگی دارد سمت مدعی العموم ملی را پیدا میکند و جنبه قضائی دارد مجلس هم در یک چنین موقعی حکم يك معجزه عمومی را پیدا میکند که بایستی بمطالب رسیدگی بکند و پس از رسیدگی آنوقت رای نهائی خودش را صادر کند بنده خیلی متأسفم که دو سه موضوع را اینجا بیان کردم یکی قضیه شرکت ری را که چهار صد هزار تومان پول دولتشاهی برده یکی دیگر

هم راجع بمطالب ایران از متفقین بوده است که من گفتم پانصد و چهل میلیون تومان طلب ایران میشود و یکی دیگر هم همین اصراف کارهای بنگاه راه آهن است بقیه من مجلس شورایی میس از آنکه من صحبت های خود را کردم فردا آقای وزیر اینجا میاید و يك مطالبی میگوید نباید حرفهای او را قبول کنند برای اینکه در هیچ جای دنیا دیده شده است بکنند آدمی را که متهم میکنند حاضر باشند که هر چه او بگوید قبول بکنند حرف متهم را کسی قبول نکند مگر اینکه استاد ومدار کی ضمیمه آن باشد وقتی من این حرفها را میگویم و اتهامات را میشمارم بایستی مجلس شورایی چهار پنج نفر را انتخاب بکند که این پرونده ها را بخوانند (صحیح است) است) پرونده هائی که مورد استناد من هست که گفته ام صحت دارد یا نه اگر صحت ندارد مرا ملامت بکنند که شما چرا خلاف اصول وقایعه يك رئیس الوزرائی تهمت زده اید اگر چنانچه این مطالب وارد است و این حیف و میلها شده است و نسبت به مملکت خیانت شده است بایستی مجلس شورای ملی تصدیق جمعی و منطقی بکند و بعد از آن مطالب را احاله بدهد بدیوان کشور (مکی - صحیح است) این صحیح نیست که هر چه وزیر بگوید قبول کنند یکمده زیادی از آقایان قاضی هستند وزیر عدلیه بوده اند استاد دانشکده حقوق هستند اینها میدانند که بصر اینکه بکنند متهم آمد گفت من اینکار را نکردم مدعی العموم او را رها میکنند - آقای وزیر وقتی اینجا بیایند صحبت بکنند اگر آدم عاقلی باشد باید همه را انکار بکند زیرا آدم عاقلی که نماینده او را وقتی مورد اتهام قرار دادند بگوید من اینکار را کردم مگر اینکه مریض باشد .

رئیس - آقای آزاد در صحبتهایتان دقت برمائید ، طوری صحبت نکنید که بیخود ...

آزاد - بیخود چی ؟

رئیس - اصل مطلب را بگوئید .
آزاد - اصل مطلب است ، عرض کنم پس وقتیکه آقای رئیس الوزرا اینجا تشریف آوردند و مطالب خودشان را میگویند حتماً هر چه من گفتم ناچارند تکذیب بکنند برای اینکه خودشان را تبرئه بکنند من معتقد هستم که مجلس شورای ملی همین پیشنهادی که من کردم قبول بکند و چند نفر را انتخاب بکند که يك کمیسیون تشکیل بدهد مرکب از این چند نفر و این پرونده ها را بخوانند و رسیدگی بکنند و چنانچه این مطالبی را که بن داده اند و من در پشت این ترتیب برای تمام ملت ایران عرض میکنم اگر وارد است ایشانرا تعقیب بکنند و اگر وارد نیست دیگر کسی بعد از من نباید رییس خودش و برخلاف واقع يك کسی را متهم بکند (مکی - صحیح است) متأسفانه ما آن اخلاق و روحیات هالی که اجدادمان داشتند يك مقدار را از دست داده ایم ما امروز شده ایم تابع فلسفه جالبینوس - جالبینوس معتقد بود که بعد از این دنیا دنیای دیگری وجود ندارد و هر چیز هست همین زندگانی است همین عالم است . او معتقد بود که بهر قیمتی هست باید زنده ماند و ملای رومی از قول همین جالبینوس میگوید ، راضیم کز من بماند نیم جان

ما از آن پیروان فلسفه جالبینوس هستیم که معتقدیم زنده باشیم ولی حقوقمان را دیگران بخورند زنده باشیم ولی آزادی نداشته باشیم ، زنده باشیم و مانند يك کرم خاکمی زیر دست و پا له شویم . فقط زنده باشیم در صورتیکه زندگانی وقتیکه با شرافت و حیثیت توام نباشد ارزشی ندارد بنده می بینم که در این کشور خیلی ملت ایران خیانت می شود يك خیانتهای بزرگی متأسفانه اشخاصی که بایستی با شرافت زندگانی بکنند و از فلسفه جالبینوس پیروی نکنند يك وجهه سکوتی را پیش میکنند و میگویند خوب چکار داریم اگر ما آمدیم يك انتقاداتی هم کردیم ممکن است از ما برنجند خوب کردند بناچه بد میکنند بنا چه روی همان فلسفه جالبینوس معتقدند که هر چه میشود بشود ولی او زنده باشد (دکتر راجی - جالبینوس چنین حرفی زده است) چرا جالبینوس میگوید :

راضیم کز من بماند نیم جان

گر ز نفس استری بینم جهان زنده باشم و هر چه میشود بشود - یکی از خیانتهای بزرگی که نسبت بملت ایران شد در بیستم شهریور بود - در ۲۰ شهریور بزرگترین خیانتها را بایران کردند یعنی رفتند با انگلیسها تبتائی کردند و قشون خارجی را بایران آوردند و پنجاه سال زن و بچه و کوجات و بزرگ ما را زیر پای قشون روس و انگلیس له کردند و بعد هم که اینچور با خیانت کردند باز هم تنظیم کردیم تسلیم شدیم هر چه گفتند کردیم - گرچه در پرونده عمل يك صورت سازبهای کرده اند سفرای خارجی نامه نوشته اند و وزرا هم جواب دادند ولی آقایان میدانند که مسائل خارجی روی کاغذ حل نمیشود و دفتر میروند توی اطاق تمام قضایا را حل میکنند و بعد هم عمل میکنند اگر کاغذی هم نوشته شود روی فرمالیت و ظاهر سازی است پنج شش روز قبل از آنکه قشون متفقین بایران بیایند دولت میدانست و ادبهای خارجی هم گفتند همه میدانستند که بکشور ایران حمله میشود و در همان شبی که بایستی قشون متفقین بایران بیاید شرکت نفت دعوتی میکند در باشگاه خودش از افسران که در خوزستان بودند فرمانده آنجا تلگراف میکند بستان ارتش که ما را در فلان شب نشینی در باشگاه نفت ...

رئیس - آقای آزاد شما چهار موضوع در اینجا

استیضاح کرده اید قسمت راجع راه آهن هم خوب يك چیزی بود که شاید اطلاعش برای نمایندگان لازم بود اما راجع باینهایی که میگوئید هیچ راجع باستیضاح نیست .

آزاد - راجع باستیضاح است ، مخالف با قانون اساسی است استیضاح را بخوائید آقا ، من نمیدانم چرا وقتی که يك خیانت هائی بکشور ایران میشود میخواهند این خیانتها را بهر ملت ایران برسانند بکنند سخت میشود ، استیضاح مرا بخوائید پس بنده آقا راجع قشون ایران از همه مهمتر باینتر بود آیا خیانت باین مملکت نبوده است ؟ شما چرا نمیکنارید من این حرفها را بگویم .

رئیس - الان متنهیج تراست آقای آزاد باید برای الان فکری کرد الان اوضاع متنهیج تر از آنست که شما فکر میکنید .
دکتر طبیب - افسران پیروی دریائی خیلی خوب افسرانی بودند ولی همه گفته شدند قشون

مورد زیر دولت آقای وزیر را استیضاح میکنم - استیضاح بر علیه امنیت عمومی بوسیله ایجاد قحطی مصنوعی ۲ - اختناق آزادی ۳ - توقیف غیر قانونی مضبوطات ۴ - مخالفت با اساس مشروطیت و قانون اساسی
آزاد - بسیار خوب مگر اینها مخالفت با اساس مشروطیت نیست مگر این ها خیانت به مملکت نیست
رئیس - شما در این قسمت ها هیچ نوشته اید
آزاد - بنده میخواهم بنشینم ایران را آگاه بکنم از خیانتهایی که باو شده و میشود (صحیح است) بنده میخواهم که چشم گوش مردم بسته باشد وزیر یوغ استعمار خارجی باشد (صحیح است)
فرامرزی - استیضاح کننده باید آزاد باشد اگر نکرک گویند راجع چی گفتند استیضاح حرف بزند
رئیس آن چیزهایی را که میخواهد حرف بزند باید در استیضاح بنویسد
مکی - باستیضاحهای ادوار مشروطیت ایران مراجعه کنید هیچوقت روشی را که با این ناطق الان پیش گرفته اند هیچ معجز روشی در بین نبوده است .
رئیس - شما نظامنامه را رعایت بکنید بیخود هم حرف نزنید .
مکی - چرا حرف نزنم نظامنامه باید رعایت شود
رئیس - تمام مسائل را میخواستید بنویسید ، مانعی ندارد بفرمائید آقای آزاد
آزاد - بنده میخواهم اینجا حرف بزنم عرض کنم در همان موقع يك تلگرافی رسید که ...
رئیس - پس میخواستید تمام مسائل را بنویسید که بنده مانع نشوم
آزاد - مخالفت با قانون اساسی شامل تمام اینها میشود پس بنده بکساعت دیگر که میخواهم تمام اسناد نفت ایران را بخواهم برخلاف استیضاح است (مکی - اسم نفت را نیاور اخطار میکنند) عرض کنم که تلگرافی کردند و این تلگراف رفت بستان ارتش ، ستاد ارتش هم جواب داد که بروید بهمانی حالا درست توجه بفرمائید همه منتظر هستند که قشون خارجی بایران حمله میکنند و ضعیف متشیج است آن وقت این ها دستور می دهند که شما شب بهمانی در باشگاه نفت بروید آنوقت آنها میروند آنجا ساعت ۱۲ شب باین بیچاره ها می هرق میدهند شراب میدهند و بسکی میدهند اینها مست میشوند ، وقتی که مست شدند دو بعد از نصف شب قشون متفقین می آیند تمام آنها را میکشند (صحیح است) (دکتر راجی - قربانی داد قشون ایران از همه مهمتر باینتر بود) آیا خیانت باین مملکت نبوده است ؟ شما چرا نمیکنارید من این حرفها را بگویم .
رئیس - الان متنهیج تراست آقای آزاد باید برای الان فکری کرد الان اوضاع متنهیج تر از آنست که شما فکر میکنید .
دکتر طبیب - افسران پیروی دریائی خیلی خوب افسرانی بودند ولی همه گفته شدند قشون

خارجی وقتی بایران آمد مطابق تمام اصول وقواعد فرار دادها و مقاوله نامه‌هایی که بین دول رد و بدل میشود تاوقتی احترام او بر جاست که اینها روابط دوستی و مودت داشته باشند ولی وقتی که جنگ شد هر دولتی تمام آن مقررات و عهد نامه‌ها و قرار داد هائی که بسته است زیر پا میگذارد موقتی که فسون خارجی بایران آمده بود ما بهترین نداشتیم تانک و طیاره و هواپیماهای جنگی ماخواستند حرکت بکنند بطرف دشمن بگمرتبه نگاه کردند دیدند بهترین نیست گفتند بهترین نداریم گفتند برویم از شرکت نفت بگیریم رفتند پیش شرکت نفت شرکت گفت من بهترین نمیفروشد وقتی که گفت بهترین نمیفروشم اینها هم گفتند که خوب ما بهترین نداریم که با برویم در صورتی که در چنین مواقعی باید بروند اعضای شرکت نفت را توقیف کنند چون دولت آنها با ما در حال جنگ بود ولی گفتند چون شرکت نفت بهترین نمیفروشد و ندارد تانک و طیاره ما نمیتواند حرکت بکنند حتی یکمده ای رفتند دم سفارت انگلیس گفتند مرده باد آمدند اینها را حبس کردند گفتند شما چرا میگوئید مرده باد شما میخواهید روابط ما را با انگلیسها تیره بکنید فسون آنها داشت می آمد جلو و می بیاید می انداخت شهر بانی آمد این اشخاص را توقیف کرد گفت چرا میگوئید مرده باد بنده یک نکته دیگری در این خصوص می گویم و خاتمه میدهم این قسمت را یکی از دلایل بزرگی که اینها تباہی کرده اند این بود که در آن موقع اگر چنانچه یک دولتی داشتیم که این دولت واقفاً ملی بود یک تذکر بانگلیسها اگر میداد محال بود که یک سرباز خارجی باینجا بیاید و آن تذکر عبارت از این بود که نفت جنوب در کشور ایران است و راه آن هم که پل پیروزی نامیده شد مهمترین چیزی بود که ببرد آنها میخورد و اگر بآنها تذکر میدادند که شما اگر بطور خصومت بایران بیاید ما تمام نفت جنوب را آتش میزنیم و راه آن را خراب میکنیم بطور قطع یک سرباز اینجا نمی آمد برای اینکه اگر چنانچه این کار شده بود دو سال یا سه سال طول میکشید که اینها موسسات نفت را مرمت بکنند و این بزرگترین شربت را بدولت انگلستان میزد در یک چنین موقعی ما میتوانستیم هم حق خودمان را بگیریم از انگلستان و هم نگذاریم که سربازان وارد ایران بشود و هم میتوانستیم استفاده کامل بکنیم میگفتیم بفرمائید بیاید دولت ایران هم خط آهن را در اختیار شما میگذارد و شما هم اگر گریه بدهید هر چه بخواهید حمل و نقل بکنید ما حاضریم قبول کنیم دیگر هیچوجه من الوجوه نیک گذاشتیم فسون خارجی اینجا بیاید این تباہی بوده یکمده اشخاص بدلت ایران خیانت کردند و امیدوارم که دیگر آقایان و ملت در آتیه اجازه ندهند که نسبت باین خیانتها بشود (انشاء الله) من همان قسمی که در جلسه قبل گفتم معتقد هستم که بایستی نفوذ خارجی را بکلی از ایران قطع کرد زیرا ایرانی بالفطره نه خائن است و نه دزد ولی متأسفانه سیاستهای خارجی غالباً بعضی اشخاص را وادار بسزدی و خیانت میکنند برای تحریک بنا بر این من معتقد هستم که بایستی جداً با نفوذ خارجی مبارزه کرد و من یک کافندی

را حالا میخوانم و آقایان ملاحظه بفرمائید که چگونه خارجی ها در داخله ایران و درامور داخلی ما دخالت میکنند کافندی که لیوتوان کلنل فلیچر مستشار سیاسی حکمران شاه بوزارت دارائی نوشته است (اردلان - در چه تاریخی ؟) تاریخش امروز ۱۰ دیروز ۱۰ بیست سال قبل چه فرق میکند نباید در امور داخلی ما دخالت بکنند تاریخش سه سال قبل باشد پنج سال قبل باشد عباس قبادیان امیرمخصوص رئیس ایل کهر است که ساکن اطراف شاه آباد و کیلان که جنوب کرمانشاه و کنگاور می باشد اینها ایل بزرگی هستند و فلادارای هزار سوار می باشند شاه سابق کلیه املاک کهر را ضبط نموده و امیر مخصوص ده سال در زندان گذرانیده در نوامبر ۱۹۴۱ با او اجازه داده شد که مراجعت بکرمانشاه نماید در آنجا با اقوام خود که قریب هشتاد نفر می باشند زندگی میکرد او عموئی دارد بنام کریم داویدیان که در آن اراضی شریک است و ساکن کرمانشاه است که با فامیل خودشی نفر می باشد املاک کریم خان نیز گرفته شده است ولی در عوض املاکی با او در خراسان داده شده که از آن اراضی هواید کمی تحصیل مینماید که بسبب ترقی قیمت ها کافی برای تأمین زندگی فامیلش نمیشد بعضی از املاک امیرمخصوص ضبط شده بدون آنکه باوعرض داده شود و باینکه در مقابل مبلغ کمی باو پرداخت شده و بعضی ها تمویض شده با اراضی فارس در منطقه قشقائی (دهقان - بنده اخطار نظام نامه دارم) حالا بعد از اینکه من صحبت کردم شما اخطار بکنید ناصر خان این اراضی را در بابت ۱۹۴۱ تصرف کرده است بدین جهت امیرمخصوص فعلا هوایدی از آنها ندارد همچنین هوایدی از املاکی که بر خلاف قانون ضبط شده نیز ندارد او در کرمانشاه زندگی میکند با چهار هزار تومان که موافقت شده باو بدهند کابینه سابق موافقت کرد که مایه هزار تومان ماهیانه که باید پس از تحویل املاک باو مستهلك شود نخست وزیر فعلی با استاندار پنجم نوشته است که این شهریه را نمی تواند بپردازد و کبسیونی کدر کرمانشاه برای رسیدگی بدهای این املاک تشکیل شده اظهار نظر کرده است که املاکی که در فارس است ناصر خان تصرف کرده بامیرمخصوص داده شود ولی این پیشنهاد را دولت ایران رد کرده است دهائی زیادی نسبت باملاکی که بدون عوض یا در مقابل مبلغ ناچیزی ضبط شده موجود می باشد که بسبب بی باقیها به وضع فعلی چندین سال طول میکشد و در این مدت فامیل او وسیله اهانه ندارند چون تجار کرمانشاهی که باو قرض میدادند دیگر حاضر بدادن قرض نیستند زیرا دولت ایران حاضر نشده است باز قسمتی از اراضی مورد اهدا را مسترد نماید امیر مخصوص نفوذ زیادی در ایل کهر دارد و همچنین رئیس ایل کهر که بر گشته اند و اکنون مشغول راهزنی و سرقت می باشند امیرمخصوص فعلا در کرمانشاه آرام نشسته و از طریق قانونی حق خود را تعقیب کند یا اینکه کرمانشاه اترک گفته و اراضی را تصرف و شروع براهزنی نماید من شخصاً او را سرزنش نمی کنم اداره سابق املاک مضمحل و قادر بجمع آوری محصول نبوده فقط دو هزار خروار از دوازده هزار خروار محصول سالیانه وصول کرده است هر چه زودتر این املاک منسوخ و مسترد شود برای

دولت ایران بهتر است و از هر جهت ضروری بنظر میرسد و تا موقتی که تکلیف املاک امیر مخصوص عوض معلوم نشده باید بیکس از طرف زیر وسیله اهانه داشته باشد ۱ - ماهیانه هزار تومانی که بپردازد میشد پرداخت شود ۲ - آن قسمت از اراضی که در مقابل عوض اراضی فارس داده شده مسترد شود ۳ - وقتی که این عمل انجام شود امیرمخصوص و خانواده آن ها باید حکمران شاه را ترک نموده در شهری دیگر سکونت نمایند و استرداد قسمتی از املاک آنها نباید باعث بازگشت اصول ایلخانی مستشار در این قسمت گردد امضا لیوتوان کلنل فلیچر مستشار سیاسی کرمانشاه این عین کافندی است که بخط فلیچر است (یک نفر از نمایندگان - خطاب بکی نوشته شد) خطاب بوزارت دارائی است شیر و خورشید سرخ وزارت دارائی قسمت مالی اداره تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۵ ضمیمه پیرونده جناب آقای امامی مدیر کل وزارت دارائی عطف بدستور تفویضی راجع بکار آقای عباس قبادیان معروض میدارد آقای عباس قبادیان نسبت بقسمتی از املاک واگذاری غرب اصفهان داشته و صورتی فرستاده است بایشان نوشته شده است که اگر مدار کی دارد ارائه دهد تا حال جوابی نرسیده چندی قبل طبق دستور وزارت و تصویب هیئت دولت مقرر گردید دولت هزار ریال از در آمد املاک واگذاری بایشان بعنوان وام پرداخته شود که پس از دهائی ایشان از محل در آمد املاک مورد اهدا واریز نمایند و همینطور هم اقدام و وجهه بوسیله خزانه داری کل بنام برده پرداخته شد اخیراً هم نسبت بپرداخت مایه ده هزار ریال ایشان موضوع نامه سفارت انگلیس با وزارت دارائی اجازه بفرمائید از وزارت خارجه توضیح خواسته میشود که چون سوابقی در این خصوص در اداره املاک نبود بهمین نحو بوزارت دارائی جواب معروض گردید برای مزید استحضار پیرونده امر هم بهمین نحو تقدیم میشود رئیس اداره کل دفتر داری املاک اینجا نوشته که سفير انگلیس یک کافندی نوشته اند و در پیرونده هست مقصود بنده این است که خارجی ها چه حقی دارند در امور ما دخالت بکنند (صحیح است) ما میخواهیم با آقای قبادیان ملک بدهیم یا ندهیم خودمان میدانیم (مهندس رضوی - شاید تبه آنها است اگر تبه آنها نیست پس آنها چیستی نویسد) و علت این که خارجی ها مستقیماً وارد ایران دخالت می کنند برای چیست و وجهه داین ما داریم از هم زیر بار این تحکات میرویم مقصود من این است که باید نفوذ خارجی از ایران برداشته شود مملکت مال ما است دنیای امروز غیر از دنیای قبل از جنگ است بعد از جنگ بین المللی ۱۹۱۴ آمریکا رفت و مطابق قانون مونرو گفتند دخالت نکنیم فرانسه هم سرش در اروپا بند بود و فقط حاکم بر مقدرات شرق انگلیس ها بودند ولی امروز وضعیت اینطور نیست امروز دنیا و جامعه بشر رو با آزادی داردمیر میکنند مطابق منشور ملل متفق هر ملتی باید حاکم بر مقدرات خود باشد بدون اینکه دیگری در کار او دخالت بکند من میخواهم عرض کنم که منشور ملل متفق منع کرده است دخالت یک دولت قوی را در امور داخلی یک دولت ضعیف بچه مناسبت آن ها بازم دخالت میکنند ما هم زیر بار میرویم (صحیح است) (بانام فلیچ - تقصیر از خود ایرانی هاست که

راجعه میکنند) حالا بنده این گزارش رسمی پیشکار دارائی کرمانشاه را برایتان میخوانم عرض کنم آقای عباس قبادیان نواده داودخان کهر بوده است پدر آقای قبادیان پسر داود خان کهر بوده است در موقتی که پدرش زنده بوده مرحوم شده بعد از آن که داود خان مرحوم شد پسر او همی آقای قبادیان طرفدار مرحوم مدرس بود و خانواده آن ها باید حکمران شاه را ترک نموده آقای آزاد حالا که آقای قبادیان اینجا نیست تا از خودش دفاع کند این برای حیثیت یک وکیل خوب نیست من راجع با آقای وزیر میخواهم صحبت بکنم منتها مربوط بایشان هم میشود (دهقان - آقای وزیر که در آن موقع کاره ای نبودند) بکنم مقدار زیادی از املاک دولتی را آقای وزیر بآو داده است روی این دستورات صحبت سرقبادیان نیست در حدود دویست میلیون تومان را داده اند به قبادیان (دولتمانی - شما چه سندی دارید که او طرفدار مدرس بود و این یکی مخالف مدرس این را ارائه بدهید به بنییم) حرفتان همین است (دولتمانی - بلی) بسیار خوب من این حرفم راجع گرفتار خنده نمایندگان) ما نماینده ملت ایران هستیم محافظ حقوق این ملت هستیم ما آمدیم در اینجا سکه حق آن بیچاره های لغت و مور را حفظ کنیم ما آمدیم اینجا که آزادی ملت ایران را حفظ کنیم ما نیامدیم که حق یک مشت بیچاره بدیخت را بیل و هوای نفس بدهیم به حسن و حسین اگر کسی بکنند آقاییان را ببرد و بخورد مگر شما راضی میشوید مگر در صدد دفاع بر نیاید من نمایندهم چرا آقایان راضی نمیشوند که حق یک ملت بدیخت گرفته از اشخاص گرفته شود ؟ عرض کنم که وقتی نظامها یک قدری قدرت پیدا کردند یک شب آمدند و همی قبادیان را گشتند معلوم هم نبود که کی او را کشت بعد از آن نظامها آمدند به آقای قبادیان کمک کردند و آن املاکی که متعلق بپرونده مرحوم کهر بود بتصرف آقای قبادیان دادند و قبادیان هم فرار داد که سالی ۷۰ هزار تومان بیول آن روز بآنها بیول بدهد یکسال در تصرف آقای قبادیان بود بعد شاه رفت و آن املاک را از ورته قبادیان خرید شاه مرحوم وقتی که خریدند این املاک را و تصرف کردند آقای قبادیان را آوردند بتهران لقب امیرمخصوص بهش داده شد و آوردند در دربار شد میرآخور نمایندهم یک سال و یکسال و نیم در این جا بود و خیلی ناراضی بود از این مرخصی گرفت و رفت کرمانشاه و بکنده زیادی از ایل دورش جمع شدند و گزارش دادند بفرمانده لشکر که یک عده زیادی از اهالی ایل دور و بر قبادیان جمع شده اند و بعد او را دنبال کردند و باز آنجا قبادیان آمد لرستان پیش سیه سیه شاهی سیه شاهی هم گزارش داد او را فرستادش بتهران محکومش کردند بعد سال حبس ۱۰ سال بعد هم خودش هم برادرش از زندان آمد بیرون وقتی که از زندان آمد بیرون (مجلس از اکثریت افتاد - چند دقیقه بعد اکثریت شد) حالا ملاحظه بفرمائید گزارش پیشکار دارائی حکمران شاه را پیرونده است بنام خود عباس قبادیان راجع به املاکی که بر خلاف حق دولتی با اهل حضرت شاه فقید نموده است که عبارت از املاک ایوان شامل ۱۵۰ قریه و مزوره و مرتع - بلوک

سومار عبارت از ۱۲ قریه و مراتع که رودخانه کن گیر که بمراق و مندلیج میرود در این بلوک واقع است - بلوک نفت هاه عبارت از ۶ قریه و مراتع که معادن و بالشگاهها و جاههای نفت در این محل واقع میباشند قسمتی از بلوک دیره - قسمتی از قریه کیلان غرب قریه مهم کلاچوب علیا کلاچوب سفلی خرد اراضی و مزارع دیگر که جمعاً ۱۱۱ فقره که هر یک یک بلوک می است توضیح آنکه کلیه مراتع مورد اهدای قبادیان مراتعی است از خالصجات مسلم که قبل از قانون نظام وظیفه دولت بابت حقوق سرباز و سوار ایل کهر با افراد و خانوارهای سرباز بده میداده است بعد سکه نظام وظیفه برقرار شد و سرباز بیبچه ملتی گردید قبادیان مدعی شد که ملک من است در صورتی که عباس قبادیان نوه رئیس ایل است و پدر او هم قبل از پدر بزرگ او مرده است و اساساً ارثی باو نرسیده زیرا دو همی او بنام قاسم و کریم داویدیان زنده هستند و ادعائی نکرده اند بعلاوه تأیید مینمایند که عباس قبادیان دروغ میگویی گذشته از این اصولا ایوان و سومار خالصه مسلم دولت است و اگر تحقیق شود زارعین آنجا همواره هستند نه کهر و نه باوندیور و زبان وعادات و آداب آنها هم مجزی است و این محل ایوان و سومار خالصجات مسلم دولت همیشه در اجاره ولایت پشتکوه بوده است و قسمتی از مراتع گرمسیری هم که قبادیان مدعی است مال اوست محال مرتع ایل سنجابی است که آنها هم این ادعا را نکرده اند و همه ساله حق المرتع بنام اجاره خالصگی میدهند برای خالصگی این مراتع بیک تنگل تعیین حدود بین دولت ایران و دولت سابق عثمانی در وزارت خارجه اگر مراجعه شود معلوم مینماید که نمایندگان دولتی روس و انگلیس که در این تعیین حدود نظارت داشته اند تصریح کرده اند که شخصاً رؤیت کرده اند طوائف سنجابی و متصرفین این مراتع را در محل و همین معنی را حضرات در همان پروتکل تصدیق نموده اند

سکه معادن ده سهم باشد ولی این دهات خالصه (جمشیدروران ، سراب جعفر کلی مرتع چغا کلان) در تصرف خاور خانم قمر السلطنه عمه قبادیان و وراث برغش خان باقی ماند که باینها بیت عجله دارند معامله میکنند برای اینکه سنده معامله با قمر السلطنه و برغش خان در کرمانشاه تنظیم شده بود و در مرکز نبود و مأمورین وزارت دارائی با سازش حضرات این سند را اقاله نکرده اند و در نتیجه هم سهم پدری را که اقاله شده میبرند و هم این سنده معامله خالصه را دروازه کرمانشاهان .

- ۱ - حد اقل درحد ۲ میلیون تومان بیول سابق در زمان شاه فقید در کیلان غرب ایوان دیره ، نفت شاه ، سومار بناها و قصور سلطنتی و باغات و حمام و دکاکین و میادین و غیره ساختمان شده است که بتعریک خود قبادیان قسمتی مخروبه و قسمتی فعلا هم دائر است .
- ۲ - تا بهال عباس قبادیان در حدود صد هزار تومان هم بنام مساعده از دولت اجاره المثل گرفته باین امید که بعد از محکومیت دولت بقیه را بگیرد و حال آنکه بموجب قانون املاک واگذاری تا حکم قطعی راجع باین موارد صادر نشود حق عایدات و حق دخالتی برای مدعی نیست ولی از سال ۱۳۲۶ با تباہی بارتیس املاک شاه آباد غرب (سروش) آقای قبادیان بین پسر ها و برادر ها و کسان خود تقسیم نمود که هم اکنون هم قصباً متصرف و محصول و درآمد را هم میبرند و بچه و دیناری هم بدولت نمی دهند در دولت آقای حکیمی و وزارت دارائی آقای نجم سروش رئیس املاک غرب احضار و مهندس خلخالی بجای او اعزام گردید پس از ساقط شدن دولت یعنی هنگامی که مهندس خلخالی بکرمانشاه وارد شده بود مجدداً سروش ابقا و نامبرده احضار گردید .
- در بلوک شاه آباد ساختمانهای از طرف دولت شده بشرح زیر :
- ۱ - بهداری ۲ - مریضانه پنجاه تختخوابی
- ۳ - قصر خوابگاه ۴ - عمارت ولیعهد ۵ - باغ نمونه
- ۶ - ساختمان شهربانی ۷ - ساختمان فرمانداری ۸ - ساختمان اداره آمار ۹ - دبیرستان شبانه روزی
- ۱۰ - دبیرستان ۱۱ - دکاکین دولتی زیاد ۱۲ - تیمچه ۱۳ - کاروانسرا که هر یک از آنها دارای ملحقات و متعلقات و باغات مفصلی است با خانه ۱۰ خانه های بزرگ و کوچک برای سکنای کارمندان ادارات دولتی مهمتر از همه موضوع سکارخانه قند شاه آباد و ملحقات و متعلقات آنست که در همین بلوک واقع است ، باخانه و باغ اختصاصی بعلوی است که بقیمت فعلی متجاوز از دو میلیون زیاده قیمت دارد مهمتر از همه معادن نفت واقع در قریه بوروب در این حوزه است که قبل از تأسیس جاههای نفت شاه آباد بدو شرکت نفت در این محل شروع بتأسیسات خود نمود ولی چون شاه فقید مایل بودند در مقابل شهر مندلیج عراق و نفت خانه عراق آبادیها و شهر مقابلی داشته باشند شرکت نفت را وادار کردند سکه در نفت شاه شروع بعمل نمایند بنا بر این این املاک بطلب خاطر پناه فقید فروخته شده و چندین برابر آن خرج آبادانی و عمران و ساختمانها و سد معروف برف آباد از طرف دولت شده (تنها سد

برف آباد متجاوز از يك ميليون خرج برداشته است) مطابق اين گزارش که تمام صورت اين املاک است که یکی یکی نوشته شده است - مطابق همین صورت در صورتیکه آقای قبادیان هنوز حکمی بفتح او صادر نشده و حاکمیت اوقضی نشده است سال گذشته تمام اين املاک را بتصرف آقای قبادیان دادند .

منصف - گفتید که تحویل آقای وزیر دادند؟
آزاد - ای گفت؟ حالا اجازه بدهید .
سال گذشته باتیاسی آقای سروش تمام اين املاک را تصرف کرده اند . بعد آقای نجم الملك آمدند اینجا آن سروش را برداشتند دستور دادند که اين عوائد را هم بگیرند برای اینکه عوائد را بهیچوجه منالوجه ندادند اتفاقاً در آنوقت که مشغول اين فعل وانفال بودند يك مهندس را هم فرستادند آنجا برای همین خانصجات . آقای حکیم الملك کابینه اش استمفا داد و باز آقای وزیر آمد . فوراً همان سروش را فرستادند و امروز این املاک در تصرف آقای قبادیان است و در حدود ۲۰۰ ميليون تومان ارزش دارد و برای هر جفت گوی ۱۰۰ من گندم و پنجاه من جو حواله داده است که در حدود شش هزار تن غله میشود . مقصود اینست که آقای وزیر علت اینکه عوائد این املاک را مطالبه نمیکند و اجازه داده است در تصرف آقای قبادیان باشد برای چیست ؟ صحبت بنده در این باب اینست که این املاک الان در تصرف آقای قبادیان است در صورتیکه حکم صادر نشده اصلاً تمام اسناد و تمام پرونده آن هم در اداره املاک است . شما نگاه کنید اداره املاک ببینید بار سال در آمد املاک غرب چقدر بوده و حالا چیست ؟ مطلب دیگر عرض کنم یث اتفاقاتی است که در کشور رخ داده که اخیراً هم یث قسمت آن در روزنامه منتشر شده است و یکی دو نفر از آقایان نمایندگان هم يك تذکری در این قسمت دادند . این قضیه قضیه يك بانك قاجاری است که این مرکب است از يكسده از تجار که اخیراً کشف شده است **رحیمیان** - فرمودید نمایندگان مجلس هم دخالت داشته اند ؟

بگذارم ؟ میگوید که چند نفر از نمایندگان هم در این قضیه شرکت دارند (صادر زاده - اسم ببرید آقای آزاد اسمشان را ببرید) (مهمه نمایندگان)
صدرزاده - آقا اینجا ۸۵ نفر هستند همه را مهمت نکنید بدینکاران صدمه میزنید حیثیت و کلا را میبرید یا اصلاً نکوئید یا اسم ببرید چرا همه را بلجن میکشید ؟ ولی من میگویم نام ببرید اینقدر شهادت داشته باشید .

آزاد - بنده شهادت مافوق همه آقایان است یقین داشته باشید .
صدرزاده - حالا نام ببرید .

آزاد - هو نکنید آقا بنده خودم پدر همه و چچای منکک هستم آقای صدر زاده الان این گزارشهایی که خواندم این کافذ کلنل فلیچرا خواندم و اسم بر دم چکار کردید ؟

صدرزاده - خوب رسیدگی میشود
آزاد - آهانرا هم فرض کنید که اسم بر دم

عدهای از نمایندگان - بگوئید آقا آنها که اینجا هستند معلوم بشود

آزاد - فرض کنید که گفتم حسن و حسین عرض کنم آقا اجازه بدهید من صحبت روی نقل قول است آقا عرض کنم که آقای وزیر با آقای وارسته وزیر دارائی میگوید که اگر چنانچه تعقیب شود چون چند نفر از کلاهی مجلس در اینجا دخیل است اگر آنها تعقیب شوند آنها رأی نخواهند داد و دولت اکثریت نخواهد داشت بنابراین صلاح بر این است که شما تعقیب نکنید

فرامرزی - پس خیلند اگر اینطور است **آزاد** - بر این قضیه هم آقای وارسته استمفا داد که آقای وزیر گفت چرا اینها را دنبال میکنید اگر دنبال میکنید ممکن است که رأی دولت در مجلس کم و اکثریت نداشته باشد و ایشان استمفا دادند رئیس کمرك را هم البته عرض کردند رئیس کمرك پیر زاده بود

یکی از نمایندگان - محمد زاده بود

موسوی - محمدزاده بسیار مرد خوبی است **آزاد** - این صحبتهاست که آقای وزیر با آقای وارسته کرده اند ممکن است که آقای وزیر خودش شریک بوده و مخصوصاً گفته است که و کلا در این قسمت شریک هستند و اگر شما دنبال کنید چون و کلا در این جا شریک هستند من اکثریت ندارم . البته خود آقای وزیر هم میباید توضیح میدهند . بنده میخواهم با آقایان يك قضیه را تذکر بدهم که در این بجهوجه عظیمی که در دنیا هست و هر ملتی دارد برای حفظ خودش يك عده رجالی انتخاب میکنند که او را از گرداب بدبختی نجات بدهد دريك چنین موقعی ما آمدیم يك چنین نشست و وزیري انتخاب کردیم و بدنبال او رفتیم که بوزیر دارائی خودش میگوید شما قاجارچها را دنبال نکنید برای اینکه من در مجلس اکثریت نخواهم داشت و اما ببینید عجب نشست وزیري و عجب رأی مشاهده کنید این آقا چقدر قیمت دارد؟ شما اگر قاجارچها را تعقیب نکردید من اکثریت پیدا خواهم کرد . عجب آراء بزرگی ؟ و آن وقت میخواهد چنین نشست وزیري

در مقابل انگلیسها در مقابل روسها و در مقابل امریکائی ها حقوق ما را حفظ بکنند .

رئیس - آقای آزاد سندی در این خصوص دارید ؟

آزاد - سند آقای افخمی . آقای ذوالفقاری است جریان این قضایا از طرف آقایان بوده است دنبال کرده اند بالای آن آقای افخمی که يك مردی است بسیار آرام بقدری عصبانی شده است که این را دنبال کرده است و آقای ناصر ذوالفقاری آقای وزیر که وارسته را وادار کرده است استمفا بنده مجبور کرده است که آقای لغفی را بفرستد .

فرامرزی - حرفتان را بزنید آقایان لاتین قدفن است

آزاد - آقای ناصر ذوالفقاری در اینجا حاضر هستند .

رئیس - بفرمائید آقا
فرامرزی - انشاءالله تمام شد

آزاد - خیلی دیگر هست
فولادوند - اینجوری که نمیشود شما اگر

بخواهید یکسال تمام حرف بزنید آخر اینجور که نمیشود وقت مجلس را گرفت . يك روز باید صفا باشد . من ارادت دارم بشما عرض کنم مهمی نخواهد برای محکمه توضیح بدهد شاید شش سال بخواهد توضیح بدهد قاضی باید بگوید که آقا من فهمیدم بخواهم حکم بدهم .

آزاد - صحبت من فردا تمام میشود فردا از ساعت ۹ صبح تشریف بیاورید . دوسه فقره موضوع دارم که امروز تمام نمیشود .

رئیس - صحبت کنید
آزاد - امروز تمام نمیشود ولی فردا عرضم تمام میشود اگر شما هم بنشینید من قسم نمیرسد تذکر بدهم باید فکر مرا هم بکنید . يك مقدار زیادی نسبت بملت ایران ضرر وارد آمده است . موضوع ارز هست و اقدامات اخیر که شده است گرچه آقای اردلان واقفا آمدند و استیضاح کردند و مجلس هم رأی سکوت داد ولی بعد از آن یث اثرات دیگری پیدا شد که بملت ایران خیلی ضررهای زیادی وارد آمده آقایان بظاظر دارند که وقتیکه آقای ابتهاج از لندن برگشت در روزنامهها مقالاتی نوشتند که آقای ابتهاج رفته است لندن (این مطالب روزنامهها بود) ۲۰ هزار لیره شرکت نفت باووهه کرده است که بحساب او بگذارند که اگر قیمت لیره را (یکی از نمایندگان - دروغ است) روزنامهها نوشته من نمیکویم بیست هزار لیره شرکت نفت باووهه کرده است که بحساب او بگذارند (آشتیانی زاده

آقای آزاد ابتهاج دزد نیست (این را روزنامهها نوشته اند) (یک نفر از نمایندگان - روزنامهها بیخود نوشته اند) من که نمیکویم با خود نوشته اند شامس کتید کمین حرفم را بزنم . این مطالبی بود که روزنامهها نوشته اند

رئیس - تمام بفرمائید اکثریت نیست
آزاد - عرض کنم که صحبت رسمی نیست (خنده

نمایندگان - در این موقع اکثریت حاصل شد) من خیال میکردم که من عصبانی هستم و خیلی عجل ولی حالا می بینم که آقایان خیلی از من عصبانی تر هستند و کم کم بغود امیدوار می شوم که آدم معتدلی هستم و در مقابل انگلیسها در مقابل روسها و در مقابل امریکائی ها حقوق ما را حفظ بکنند .

خیلی خیلی ازمین عجل تر هستند . خلاصه ، بعد در روزنامهها نوشتند که ملت اینکه میخواهند قیمت ارز را بالا ببرند این است که انگلیسها میخواهند امسال دمیلیون لیره اینجا خرج بکنند و ساختمان بکنند و برای اینکه يك استفاده ای در این میان ببرند عوض آنکه دمیلیون لیره خرج کنند مثلا پنج میلیون لیره بیشتر خرج نکنند آمدند این کار را کردند . این مطالب را در روزنامهها نوشته اند وقتی که این مطالب را من خواندم رفتم پیش آقای ابتهاج و گفتم آقای ابتهاج يك چنین مطالبی در روزنامهها نوشته اند ترا روزنامهها مهم میکنند که بیست هزار لیره میخواهند بهت بدهند که قیمت لیره را از سیزده تومان ببری بالا و این مطالبی که در روزنامهها نوشته بودند بهش تذکر دادم سه ساعت و نیم مذاکره ما طول کشید بعد من گفتم که رفتم لندن و عقیده ام اینست که بایستی قیمت لیره برود بالا رفتم با شرکت نفت صحبت کردم که شرکت نفت تمام لیره هائی که در ایران میخواهد تعمیر بکند به قیمت سیزده تومان تعمیر بکند ولی در خارج هیچجه تومان باشد (یک نفر از نمایندگان - این سفر با آن سفر) مگر آمده ؟ (یک نفر از نمایندگان - مراجعت کرده است) آن سفر که کرده مرضی کم ، بعد ایشان بن گفتند که من رفته ام لندن با شرکت صحبت کرده ام که شرکت نفت هر مقدار ارزی که در ایران میخواهد با بدهد این را سیزده تومان بیا بدهد گفتم چطور میشود که شما قیمت لیره را بیاورید بهیجده تومان و بعد شرکت نفت بیاورد با بانک سیزده تومان حساب بکنند همچو چیزی ممکن نیست دستور داد که کافذ هارا بیاورید آوردند کافذ هائی را که بانک بگیری رد و بدل شده بود و ترجمه اینها را بن دادند خواندم بالاخره شرکت نفت مراجعه شده بود و شرکت نفت هم جواب داده بود که شما میخواهید قیمت لیره را هیجده تومان تعیین بکنید و قیمت لیره هم که در تمام دنیا هیجده تومان باشد چطور مامی توانیم با شما سیزده تومان حساب کنیم ما این کار را نمی کنیم ، گفتم خوب اینهم که نشد شرکت نفت هم که حاضر نیست بعد گفت خوب من شیئی میخواستم حرکت کنم ، رفتم معاون اقتصادی وزارت دارائی انگلستان را دیدم با او جریان را بیان آوردم ایشان هم بن گفتند که من مذاکره میکنم با شرکت نفت و بعد بشما خبر میدهم و بعد چون من آمدم دیگر نشد . خبرش را بن بدهم ولی کافذی نوشته است کافذ را آورد که معاون اقتصادی وزارت دارائی نوشته بود که من هم با شرکت نفت صحبت کردم آنها هم گفتند که نمیشود گفتم پس روی چه زمینه بفرمائید بالاخره گفت آخر کاغذ نوشته است که ما مذاکره را تمام قطع نکنیم گفتم مذاکرات قطع نکردن که دلیل نمیشود که اینها لیرههاشان را سیزده تومان بدهند بعد این گذشت و گفتند که دولت ترکیه در این موقع قیمت لیره را برده بالا یا چکار کرده ولی چون من از مسائل اقتصادی زیاد اطلاع نداشتم گوش ندادم و آمدم بیرون . قیمت لیره را اگر خاطر آقایان باشد عمداً بردند بالا ، قیمت لیره در سه سال قبل بلکه تقریباً سه سال و نیم قبل یازده ، شانزده تومان بود و یکسده هم در روزنامه خواندم که هیجده تومان شد کم قیمت لیره را بردند بالا و بیست و شش تومان شد بعد من علتنش را از وزارت اقتصاد ملی و از اشخاصی که در کمسیون ارز و کمسیون سهمیه بودند پرسیدم گفتند

که عمداً ارز بر دم ندادند در صورتیکه ما با اندازه ای که جنس بخواهیم وارد بکنیم از خارج همان اندازه ارز داریم ، ارز را ندادند ، تا بالا رفت و قیمت شد ۲۶ تومان ، بعد از آنکه قیمت ارز بالا رفت و بیست و شش تومان شد در صدد افتادن که قیمت رسمی لیره را ببرند بالا که این بولهای را که انگلیس ها در این جا خرج میکنند عوض این که بیست میلیون لیره خرج بکنند ، در سیزده تومان که حساب شد فرض بفرمائید که ۱۰ میلیون لیره خرج بکنند ، کابینه قوام السالطه موافقت نکرد در قدر که ابتهاج گوش کرد موافقت نکرد ، حکمی هم موافقت نکرد بعد از آن یکمرتبه این تصویب نامه آقای وزیر لیره آورد باین قیمت ، بعقبه من آقایان دو کار خط شده است که هر دو بملت ایران ضرر وارد آورده است هر دو یکنوع خیانتی بملت ایران محسوب میشود (صحیح است) قسمت اول این است که پول ایران را قیمتش را تنزل دادند حالا بنده برای آقایان يك قدری توضیح میدهم که چطور قیمت پول ایران را آوردند یث این پول ایران قبل از این تصویب نامه در تمام دنیا حتی بانک بین المللی يك لیره مساوی ۱۲۸ ریال بوده تمام ارز هائی که هر کشور بود این ارزها را تمام بانک ملی میخرید بعقیمت ۱۲۸ ریال و میفروخت بعقیمت سیزده تومان یا ۱۳۰ ریال و قاعده اش هم این بود پول ایران در تمام معافل بین المللی قیمت ۱۲۸ ریال مساوی با يك لیره بود وقتی که این تصویب نامه را صادر کردند باین معنی که بانک تمام لیره ها را میخرد بعقیمت روز قیمت روز هم ۲۲۲ تومان و خورده است وقتی که بنده با شریک بعقیمت ۲۲ تومان و پنجاه هزار تمام لیرهها را و همان قیمت فروخت پس قیمت پول ایران از ۱۲۸ ریال رفته است به ۲۲۵ ریال که قیمتش هر روز تقریباً معین می شود (مهندس رضوی - اینها ما از نظر رسمی قبول نداریم و قیمت رسمی همان ۱۲۸ ریال است) عمل دولت این است که دولت لیره را میخرد به ۲۲۵ ریال و همان ۲۲۵ ریال میفروشد و هر کس هم که لیره داشته باشد دولت مطابق آن تصویب نامه لیرههاش را میخرد و گواهینامه هم میدهد پس قیمت را دولت بالا برده است یعنی امروز در بازار بین المللی نمیکوئید ۱۲۸ ریال پول ایران مساوی با يك لیره است یعنی وقتی که دولت میخرد بظن روز و مظنه روز هم ۲۲۲ تومان و خورده است و همان قیمت میفروشد پس عملاً قیمت هم ترقی داده شده است (دکتر راجی - بطور رسمی بالا نبرده برای آنکه ما بحتاج مردم همان سیزده تومان است) بنده این جا برای شما توضیح میدهم در این تصویب نامه دولت نوشته است که چه اجناسی را ارز دولتی میدهد و چه اجناسی را ارز نمیدهد . مطابق این تصویب نامه آنچه که دولت صد درصد ارز میدهد قند و شکر است که در تصرف دولت است و الا سایر اجناس را صدی شصت و صدی چهل ارز میدهد بنابراین ملاحظه می شود که قیمت لیره بالا رفته است ، دیگر از ضرر این تصویب نامه تنزل پول ایران است در بازار بین المللی و آقایان بهمین زودیها خواهد دید که قیمت اجناس بطور سرسام آوری بالا خواهد رفت (بعضی از نمایندگان - خدا نکند) الان از موقعی که این تصویب نامه صادر شده است تا اندازه هر بنزنده کی بالا رفته است منتش این است که دولت دستور داده است باین اعتبار

تجار را کم بکنند و چون تجار اعتبار بولشان کم شده است و احتیاج بیول دارند ناچارند اجناس شان را بفروشدند و ممکن است بعضی از آنها ورشکست بشوند ولی اگر بکنند اعتبار باز شد قیمت اجناس خیلی خیلی می رود بالا بقسی که دیگر هیچکس نتواند زندگانی کند موضوع دوم موضوع ضرر و زیانی است که بملت ایران از این تصویب نامه وارد شده است در زمان رضا شاه تمام ارز هائی که در کشور بود تحت حروف ابجد الف - ب - ج - د تقسیم شده بود اینها هم مطابق همان صورتی که داشتند ارزها را از مردم میگریفتند و مطابق همان صورتها بر دم می فروختند باین طریق اجناسی که در بازار دنیا زیاد مشتری داشت و بهر جائی که عرضه میکردند میخریدند صدی چهل یا صدی پنجاه ارز اینها را دولت میگریفت و بعضی اجناس دیگر بودند که این اجناس در درجه دوم بودند و از آنها کمتر ارز میگریفتند و بعضی اجناس دیگر هم بودند که برای صادر کردن آنها دولت اصلاً هیچ ارزی نداد و ارز هائی هم که بر دم میدادند طبق آن موضوع بابایای بود که از هر جائی که میخواهند جنس وارد بکنند مطابق همان بایستی جنس صادر بکنند در دوره رضا شاه اگر چنانچه یث کسی ارز زیادی داشت ارزش را میگریفتند چون قاجاق بود بعد از شهر بور که کمسیون ارز هم خورد و آن اوضاع از بین رفت مجدداً آمدند و کمسیون ارز را دایر کردند و تصویب نامه ای صادر کردند که مطابق آن تصویب نامه ارز هائی که در کشور بود تحت يك ترتیبی در آمد باین معنی که تقریباً دو قسمت ارز در کشور ایران بود یکی ارزهای دولتی که از نفت جنوب تحصیل میشد و از شرکت بیمه و سفارتخانهها و یکی هم ارز های صادراتی بود که تجار جنس صادر میکردند این ارزها تمام در تحت تصرف دولت بود هر کس که جنس بخارج صادر میکرد این جنس ها را بایستی صدی ده آن را ارز بدولت بدهد و مابقی دیگر را هم بفروشد بدولت دولت هم ۱۲۸ ریال باویرول بدهد يك گواهینامه ای هم باو بدهد که این گواهی نامه را در بازار آزاد میتوانست بفروشد بنابر این طبق جریان قبلی کسی نمی توانست ارز قاجاق آنها بمقدار زیاد بگیرد برای اینکه اگر کسی میخواست يك جنس وارد بکند ناچار بود بوزارت بیمه و هنر مراجعه کند و وزارت بیمه و هنر هم مطابق آن سهمیه ای که تهیه شده بود بایستی باو اجازه بدهد و بعد از آنکه باو اجازه میداد این ارزها را با بایباید بازار دولتی باشد یا با ارزی که گواهی نامه ارائه میکند ولی مطابق این تصویب نامه ای که صادر کرده اند امروز تمام سفارت خانهها یا هر کسی که ارزی داشته باشد میتواند باینکه بفروشد و بانک هم بعقیمت بازار آن را خریداری بکند و بعد بفروشد هر کس که میخواهد تصویب نامه مفادش این است که صادر شده است و بنده آنرا میخوانم

بفروشد. تبصره - برای ارز هائی که بوسیله سفارت خانهها و سیاحان و اشخاص و سایر مؤسسات متفرقه فروخته می شود گواهی فروش ارز داده خواهد شد. مطابق این تبصره اینکه این جا نوشته شده است هر کس هر قدر ارز داشته باشد می تواند بیانک بفروشد و بانک هم بقیمت بازار خریداری کند و گواهی نامه بدهد و گواهی نامه بدهد روی همین تصویب نامه نظریه ای که شرکت نفت داشت عملی شد یعنی شرکت نفت که در نظر داشت یک مقدار ایام بقیمت روز بفروشد مطابق همین تصویرنامه ارزهای خودش را در دست و دو تومان فروخت زیرا ارز هائی که بموجب این تصویب نامه صادر شده است اگر آقایان باز هم در این زمینه یک کمیسیون تعیین نکنند که بیانک ملی و پرونده ما را چه بکنند خواهند دید که دیگر از طرف شرکت نفت بیانک ملی ارزی داده نشده است آقایان کمیسیون باید پرونده رسیدگی کند، اطلاعات هم وقتی که من اینجا صحبت کردم که پنج هزار تومان خرج همانی شده بوده نوشته اند ۵ میلیون تومان هر چیزی که قبایل باور کردن نیست **عباس مسعودی** - اشتباه شده اصلاح میشود

۴ - موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه رئیس - یک قدری تأمل کنید یک عده از آقایان بیرون هستند و اکثریت هم دیگر برای مذاکره نیست پیشنهادی رسیده که عصر جلسه شود پیشنهاد دیگر هم رسیده که فردا جلسه بشود بنا بر این فردا صبح جلسه خواهد بود برای این کار (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - **رضا حکمت**

شماره ۲۲۰۴۲-۱۰۹۰۵ ۲۷-۸-۱۲
آقای محمد حسین برهانی دیانی
سر دفتر اسناد رسمی سابق میناب
 بموجب این حکم سمت سر دفتری اسناد رسمی درجه سوم سر جان منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۴۰-۱۰۶۷۷ ۲۷-۸-۱۲
آقای عنایت الله بهرامی سردفتر اسناد رسمی بهشهر
 بموجب این ابلاغ بهت کناره گیری و ترک محل کار از تصدی دفتر اسناد رسمی معاف میشود
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۴۶-۱۰۹۰۴ ۲۷-۸-۱۲
آقای محمد حسین برهانی دیانی
سر دفتر اسناد رسمی سر جان
 بموجب این ابلاغ دفتر شماره در سر جان برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۵۶-۱۰۵۸۱ ۲۷-۸-۱۲
آقای حسن اوحدی همدانی
سر دفتر اسناد رسمی و گواهی صحت امضاء رودسر گیلان
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما بقصه کسج تبدیل می شود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۴۸-۱۰۹۰۷ ۲۷-۸-۱۲
آقای سید محمد باقر شهنش سردفتر سابق ازدواج تهران
 بموجب این ابلاغ مجدداً دفتر شماره در شهر تهران برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۴۱-۱۰۵۸۶ ۲۷-۸-۱۲
آقای عزتضی اشرف اسلامی
 بموجب این ابلاغ دفتر شماره در تهران برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۴۸-۱۰۹۰۷ ۲۷-۸-۱۲
آقای ملا صالح فاروقی سردفتر ازدواج و طلاق قریه خالقاہ سقز
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما بشهر سقز تبدیل میشود.
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۲۲-۱۰۸۹۵ ۲۷-۸-۱۲
آقای شمس الدین مصباحی سردفتر ازدواج و طلاق سابق تهران
 نظر باینکه معاضه انتظامی شما خاتمه یافته بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را از تصدی دفتر طلاق اعلام میدارد
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۰۲۶-۱۰۸۹۸ ۲۷-۸-۱۲
آقای علیمحمد عابدین زاده
 بموجب این حکم سمت سر دفتری اسناد رسمی درجه سوم دهستان سنکان رشتخوار منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید
 وزیر دادگستری